

زندگی نامه و آثار مرحوم باغچه بان

منبع: www.jazirehdanesh.com

Pdf : www.takbook.com

جبار عسگرزاده، معروف به باغچه بان، در سال ۱۳۶۴ خورشیدی در شهر ایروان به دنیا آمد. آموزش‌های آغازین خود را مانند دیگر دانش‌آموزان با روش‌های قدیمی و در مسجد گذراند. در پانزده سالگی به‌ناچار آموزش را رها کرد و از خبرنگاران روزنامه‌های قفقاز و از فکاهی‌نویسان روزنامه‌ی ملانصرالدین شد.

در سال ۱۳۹۸، پس از پایان یافتن جنگ اول جهانی و پس از فوت پدر و مادرش، به مرنند بازگشت و در مدرسه‌ی احمدیه به کار آموزگاری پرداخت. به دلیل عشق و علاقه‌ی بسیاری که به آموزش و پرورش دانش‌آموزان داشت، خیلی زود نامش بر سر زبان‌ها افتاد. در مهرماه سال ۱۳۹۹ به طور رسمی در اداره‌ی آموزش و پرورش مرنند استخدام و در دبستان دانش به آموزگاری پرداخت.

آموزگاری را در کلاس اول با ده دانش‌آموز آغاز کرد. علت اصلی کم بودن تعداد دانش‌آموزان، تنگدستی خانواده‌ها و دوم مخالفت‌های مکتب‌داران آن زمان بود. رئیس منطقه در آن زمان با تدبیر و اندیشه، اعلامیه‌ای منتشر کرد که به هر يك از دانش‌آموزان يك دست لباس مجانی داده خواهد شد. در نتیجه تعداد دانش‌آموزان کلاس اول به هفتاد نفر رسید و به دلیل آن که کسی توان آموزش همه‌ی آن‌ها را نداشت، برای باغچه بان فرصتی پیش آمد تا در عرصه‌ی فرهنگ خود را بیازماید.

خانواده‌ها پول خرید کاغذ و مداد نداشتند، در نتیجه بچه‌ها سر راه مدرسه کاغذهای سیگار را جمع می‌کردند و روی آن مشق می‌نوشتند. او از هرکس که امکان داشت يك قران و دو قران می‌گرفت و برای دانش‌آموزان فقیر دفتر و مداد تهیه می‌کرد، صابون و دارو می‌خرید و به خانه‌های آن‌ها می‌برد و به مادان درمان بیماری کچلی را (که در بین دانش‌آموزان بسیار بود) می‌آموخت. این کارهای باغچه بان شور و شوق زیادی در شاگردان به وجود آورد که تا آن روز دیده نشده بود.

باغچه بان برای آموزش دانش‌آموزان خود از روش‌های نو بهره می‌گرفت که با روش قدیمی که با خشونت همراه بود، بسیار تفاوت داشت. او برای آموزش حساب به دانش‌آموزان از يك تخته سیاه بزرگ و دو چرتکه دیواری (یکی برای آموزش عددهای صحیح و دیگری برای آموزش عددهای کسری) استفاده کرد. با این روش دانش‌آموزان مردود سال گذشته نیز توانستند به‌آسانی در آزمون‌ها پیروز شوند که این باعث امیدواری بیش‌ترباغچه بان شد.

سال بعد به همراه دانش‌آموزان خود به کلاس دوم رفت. با این امید که تا سال ششم همراه آن‌ها باشد تا سواد خود او هم بیش‌تر شود، چرا که سواد فارسی او خوب نبود. او تلاش می‌کرد شهرت نیکی برای مدرسه دست و پا کند و خوشبختانه، هر چه بیش‌تر کوشش می‌کرد، توجه مدیر مدرسه نیز به او بیش‌تر می‌شد. با وجود این، مدیر مدرسه به نوآوری‌ها و رابطه‌ی دوستانه‌ی دانش‌آموزان با باغچه بان حساس شده بود.

باغچه بان در آن سال‌ها محبت و گرمی داشتن شخصیت انسانی کودکانی را که در خانه‌های خود صاحب هیچ‌گونه شخصیتی نبودند و تنها بهره‌شان کتک و توسری و فحش بود، وظیفه‌ی اصلی خود می‌دانست و تلاش می‌کرد کمبودهای تربیتی و خانوادگی آن‌ها را جبران نماید و کودک را از شخصیت خود آگاه کند. اما مدیر جوان آن مدرسه، از این نکته‌ی پرورشی آگاه نبود. با وجود این کارها به‌خوبی پیش می‌رفت.

نوآوری‌های باغچه بان

باغچه بان از همان آغاز شیوه‌ی آموزش سنتی را کنار گذاشت. لحظه‌ای آرام و قرار نداشت و هر روز با يك فکر تازه پا به مدرسه می‌گذاشت. نوآوری‌های وی در آن روزگار مانند شعبده‌بازی شگفتی و تحسین همه را برمی‌انگیخت. برای نخستین بار برای آموزش جغرافیا از نقشه‌ای استفاده کرد که خود آن را ساخته بود. آن نقشه شامل دو تخته‌ی ساده بود که روی آن نمونه‌ای از دریا و اقیانوس و پدیده‌های طبیعی نشان داده شده بود. باغچه بان علاوه بر استعداد و عشق به معلمی، استعداد شاعری، نقاشی، روزنامه‌نویسی و بازیگری و حتی قالب‌کاری داشت که از همه‌ی این توانایی‌ها برای آموزش هر چه بهتر دانش‌آموزان کمک می‌گرفت. او نمایش‌نامه می‌نوشت و بچه‌ها آن را اجرا می‌کردند. به علاوه، او برای نخستین بار لباس‌های يك شکل و برنامه‌ی ورزشی برای دانش‌آموزان تدارک دید.

باغچه‌بان در سال ۱۳۰۲ با همکاری آقای فیوضات، رئیس آموزش و پرورش آن زمان آذربایجان، کودکانی با نام " باغچه اطفال" بنیان‌گذاری کرد و با نوآوری‌های خود برنامه‌هایی از جمله کاردستی، نقاشی، بازی، نمایش، سرود، شعر و قصه و ... در آن آموزش داد. او نام باغچه‌بان را برای مربیان این کودکان و همچنین برای نام خانوادگی خود برگزید.

یکی دیگر از کارهای ارزنده باغچه‌بان، بنیان‌گذاری کلاسی برای آموزش به دانش‌آموزان کر و لال بود. هنگامی که این فکر نو را با رئیس آموزش و پرورش آن زمان (رئیس فرهنگ) در میان گذاشت، در برابر شور و هیجان خود با این پاسخ دلسردکننده روبه‌رو شد که: " اگر تو چنین استعداد و قدرتی داری که لاله‌ها را زیان‌دار کنی، بهتر است زبان فارسی را در باغچه اطفال پیش‌تر کنی. ما به آموزش زبان فارسی به این مردم ترک‌زبان پیش‌تر نیاز داریم تا زیان‌دار کردن کر و لال‌ها."

اما این سخنان دلسردکننده و کارشکنی‌هایی بسیار دیگر، باغچه‌بان را در راهی که در پیش گرفته بود ست نکرد و او دو روز پس از شنیدن آن سخنان، اعلان ثبت‌نام را در مدرسه نصب کرد. این اعلان، که شبیه ادعای پیغمبری بود، سر و صدای بسیاری به پا کرد تا آن‌جا که یکی از دوستانش به او گفت: " تو دشمن آبروی خود هستی. چرا فکر نکردی که یهودی‌ها با همه‌ی زرنگی‌شان نتوانسته‌اند در تبریز مغازه باز کنند؟ این دکان چیست که تو باز کرده‌ای؟ مگر تو پیغمبری که می‌خواهی لاله‌ها را زیان‌دار کنی؟ من تا به حال نماز نخوانده‌ام. اما امشب می‌خوانم و از خدا برای تو شفا می‌خواهم!" و باغچه‌بان چه نیکو به او گفت: " این نخستین معجزه‌ی من، که آدم کافری مثل تو به خاطر من مسلمان شد!"

سرانجام پس از کشمکش‌های بسیار، چند کودک کر و لال را نام‌نویسی کرد و پس از شش‌ماه در حضور پدر و مادران و برخی از مقام‌های آموزش و پرورش، از آن‌ها آزمون گرفت. آن روز بچه‌ها برای مردمی که روی در و دیوار مدرسه نیز نشسته بودند، درس خواندند و روی تخته دیکته نوشتند. پس از آن روز باشکوه بود که سیل سپاس‌گذاری‌ها و گرمی‌داشت‌ها به سوی او سرازیر شد که البته در برابر سیل کارشکنی‌ها چندان چشمگیر نبود. مهم‌ترین نوآوری باغچه‌بان، روشی نو در آموزش الفبا است که به روش ترکیبی مشهور شده است. در این روش، آموزش الفبا بر اساس دانسته‌های پیشین دانش‌آموزان انجام می‌شود. برای مثال، هنگامی که می‌خواهید به کودک حرف "ا" را یاد بدهید اگر این حرف را روی تخته بنویسید و بخوانید که شاگردان آن را بخوانند و بنویسند، اهمیت نمی‌دهند. اما اگر آب را به آن‌ها نشان بدهید، اسم آن را بپرسید و از آن‌ها بخواهید صداها را به آب بکشند، آن دو صدایی را که آب از آن ساخته شده است، پیدا می‌کنند.

دیدگاه باغچه‌بان در آموزش کودکان

باغچه‌بان بر این باور بود که يك کودک نوزاد، که ذهنش از هر گونه دانستن‌ی تهی است، بدون آموزش آموزگار، زبان محیط پیرامون خود را یاد می‌گیرد و پر از دانستن‌ی می شود. اما همین کودک هنگامی که به دبستان می‌رود، نمی‌تواند از پس آموزش برآید و مردود می شود. این پیش‌آمد، خلاف نهاد او و قانون آفرینش کودک است.

نظریات باغچه‌بان در آموزش کودکان بر این پایه استوار است که کودک پیش از ورود به دبستان با مفهومی‌های گوناگونی در محیط پیرامون خود آشنا می‌شود و حتی بدون آن که واژه‌ای را به زبان بیاورد، مفهوم برو، بیا، بنشین، در و پنجره و دیگر چیزهای پیرامون خود را درک می‌کند. او چون این مفهومی‌ها را می‌داند، بدون تشویق یا تهدید، واژه‌های مربوط به آن‌ها را می‌آموزد. پس کودک هر واژه‌ای را در برابر چیزی یاد می‌گیرد و راز یادگیری کودکان است.

باغچه‌بان نظریات خود را پیرامون آموزش الفبا در کتابی با نام "دستور تعلیم الفبا" نوشته است که در سال ۱۳۱۴ منتشر شد. این کتاب پنج فصل دارد:

فصل اول: ویژگی‌های شخصی معلم، معلمی که می‌خواهد به دانش‌آموزانی که تازه وارد مدرسه شده‌اند آموزش بدهد، باید هفت ویژگی داشته باشد. بر داری و شکیبایی، خوش‌رویی و فروتنی، انتظار و امید، جدیت و درست‌قولی، ثبات و جدیت، وقار و سنگینی و احاطه و آمادگی.

فصل دوم: شناخت دانش‌آموزان. شاگردان شباهت‌هایی به هم دارند و تفاوت‌هایی که نهاد آنان و خانواده‌ها و تربیت آن‌ها موجب شده است.

فصل سوم: سرآغاز خواندن و نوشتن (دوره‌ی آمادگی). اصلاح گفتار و مخرج ادای کلمه‌ها، همراه با خواندن کلمه‌ها و نام چیزها و تمرین نوشتن. در گذشته، کار نوشتن بعد از خواندن انجام می‌شد، اما امروزه نوشتن همراه با خواندن از روز اول آموزش داده می‌شود.

فصل چهارم: آموزش الفبا. آموزش باید بر اساس دانسته‌های پیشین دانش‌آموزان انجام شود. موضوع انتخابی برای درس بسیار مهم است که باید مبهم نبوده و در اندازه‌ی درک دانش‌آموز باشد.

فصل پنجم: حرف‌ها و طرز هجی کردن (بخش کردن) و ارتباط آموزش با توانایی‌های فکری کودکان. در این مرحله، معلم برای این که بتواند سی و دو حرف را به آسانی آموزش دهد، اول باید توجه دانش‌آموزان را به کیفیت مخرج صداها و تقسیم کلمه به بخش‌هایی که در هر بخش يك حرکت دارند، جلب کند.

نوشته‌های باغچه‌بان

باغچه‌بان کتاب "زندگی کودکان" را که شامل شعر، سرود و چیستان برای کودکان بود در سال ۱۳۰۸ در شیراز چاپ کرد. او چند نمایشنامه برای کودکان نوشته و به اجرا درآورده است. او چند کتاب پیرامون روش آموزش ترکیب نیز نوشته است که از آن جمله است: دستور تعلیم الفبا؛ الفبای خودآموزی برای سالمندان؛ اسرار تعلیم و تربیت یا اصول تعلیم الفبا. چند کتاب هم درباره‌ی آموزش معلمان برای دانشسرای تربیت معلم نوشته است.

باغچه‌بان شعر هم می‌گفت و شعر را نیز به عنوان ابزار کمک آموزشی به کار می‌گرفت. در این جا نمونه‌ای از شعرهای او را می‌خوانید.

روی سعی بکن که مرد احسان باشی

نیکی بکنی به خلق و انسان باشی

بی‌رنج به مفت سودی از کس نبری

چون شمع برای جمع سوزان باشی

فهرست نوشته‌های باغچه‌بان

۱. برنامه کار آموزگار ۱۳۰۳
۲. الفبای آسان ۱۳۰۳
۳. الفبای دستی مخصوص ناشنوایان ۱۳۰۳
۴. زندگی کودکان ۱۳۰۸
۵. گرگ و چوپان ۱۳۰۸
۶. خانم خروک ۱۳۱۱
۷. پیر و ترب ۱۳۱۱
۸. بازیچه دانش ۱۳۱۱
۹. دستور تعلیم الفبا ۱۳۱۴
۱۰. علم آموزش برای دانشسراها ۱۳۲۰
۱۱. بادکنک ۱۳۲۴
۱۲. الفبای خود آموز برای سالمندان ۱۳۲۶
۱۳. پروانه نین کتابی ۱۳۲۶
۱۴. الفبا ۱۳۳۷
۱۵. اسرار تعلیم و تربیت یا اصول تعلیم الفبا ۱۳۳۷
۱۶. الفبای گویا ۱۳۲۹
۱۷. برنامه یکساله ۱۳۲۹
۱۸. کتاب اول ابتدایی ۱۳۳۰
۱۹. حساب ۱۳۳۴
۲۰. کتاب اول ابتدایی ۱۳۳۵
۲۱. آدمی اصیل و مقیاس واحد آدمی ۱۳۳۶
۲۲. درخت مروارید ۱۳۳۷
۲۳. خیام آذری ۱۳۳۷
۲۴. رباعیات باغچه بان ۱۳۳۷
۲۵. روش آموزش کرولالها ۱۳۴۳
۲۶. من هم در دنیا آرزو دارم ۱۳۴۵
۲۷. بابا برفی ۱۳۴۶
۲۸. عروسان کوه ۱۳۴۷
۲۹. زندگینامه باغچه بان به قلم خودش ۱۳۵۶
۳۰. شب به سر رسید ۱۳۷۳
- ۳۱- کیوتر من کیوتر من ۱۳۷۳

